



## تبیین جایگاه دانش بومی در توسعه سکونتگاه های روستایی

محمد سلمانی<sup>۱</sup>، مصطفی هرائینی<sup>۲</sup>، فاطمه عبدالصمدی<sup>۳</sup>

### چکیده

دانش بومی که دانش محلی، سنتی و یا قومی نامیده می شود با دانشی که افراد جامعه از طریق مراکز رسمی مانند دانشگاهها و موسسات تحقیقات دولتی کسب می کنند تفاوت دارد. نظام های دانش بومی مبنای تصمیم گیری در سطح محلی است، زیرا ناشی از تلاش مردم محلی برای شناسایی مشکلات و یافتن راه حل ها به کمک نوآوری ها و آزمودن آنهاست. تجربه نشان داده دانش بومی نه تنها با دانش رسمی تعارض و تناقض ندارد بلکه ویژگی های متفاوت دانش بومی آن را مکمل خوبی برای دانش رسمی قرار می دهد. برای دستیابی به توسعه ای همه جانبه و پایدار، باید توجه ویژه ای به دانش و اطلاعات چند هزار ساله مردم که می توان آن را مادر دانش رسمی دانست، کرد. هدف از این پژوهش تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار نواحی روستایی می باشد روش تحقیق در این بررسی توصیفی - تحلیلی بوده که با استفاده از کتب و اسناد موجود مرتبط با موضوع تحقیق به رشته تحریر در آمده است.

**واژه های کلیدی:** دانش بومی، دانش جوامع محلی، توسعه پایدار، توسعه روستایی

<sup>۱</sup> استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تهران

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تهران



## مقدمه

دانش بومی بخشی از سرمایه ملی هر قوم است که باورها، ارزش‌ها، روش‌ها، ابزار و آگاهی‌های محلی آنان را در بر می‌گیرد. این همان دانشی است که به وسیله آن در طی قرون، اقوام گوناگون روزی خود را از محیط‌شان جسته‌اند، پوشاک‌شان را تهیه کرده‌اند، خود را در سرپناهی اسکان داده‌اند، فرزندان خود را تربیت نموده‌اند، جامعه خود را سامان داده و سلامت خود و احشام‌شان را حفظ کرده‌اند. تجربه نشان می‌دهد که دانش بومی نه تنها با دانش رسمی تعارض و تناقض ندارد بلکه ویژگی‌های متفاوت دانش بومی آن را مکمل خوبی برای دانش رسمی قرار می‌دهد. دانش بومی قابل دسترس، کارآمد و ارزان است، دیدگاه آن کل نگر است و شیوه انتقال آن شفاهی است. دانش بومی پویا و زمان آزموده است و چون در بطن محیط طبیعی و اجتماعی محلی تکامل یافته است با شرایط بومی کاملاً سازگار است. دانش بومی هم به اجزای فرهنگ یک قوم و هم به کل آن گفته می‌شود و این در هم تنیدگی جزء و کل به شکلی است که در جوامع سنتی زندگی بدون دانش بومی قابل تصور نیست و دانش بومی خارج از خاستگاه فرهنگی خود از تکامل باز می‌ایستد و معنا، مفهوم و کارایی خود را از دست می‌دهد. گردآوری و مستندسازی دانش بومی فعالیت تحقیقاتی بی سابقه‌ای در ایران نیست. کتاب باستانی بُندهشن که از دوران پیش از اسلام به جا مانده است حاوی رده بندی‌های گیاهی و نیز روش‌های کشاورزی عصر خود است. در سرزمین‌ها نیز، در طی قرون، پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی به گردآوری و مستندسازی این دانش شفاهی پرداخته‌اند. عناوینی چون ((الابنیه عم حقایق الادویه)) نوشته ابومنصور موفق هروی در قرن چهارم ه.ق، ((نقل از اخبار و آثار)) نویسنده ناشناس در قرن هفتم ه.ق و ((ارشادالزراعه)) ابونصر قاسم بن یوسف هروی در قرن دهم ه.ق یادگارهایی پژوهشی از این تلاش‌ها می‌باشد.

اما امروزه دانشمندان و پژوهشگران دانش بومی جهان، علاوه بر گردآوری فنون کهن، به بررسی و تلفیق علمی این روش‌ها جهت دستیابی به دانشی برتر و مناسب توجه دارند. در دو دهه اخیر، برنامه ریزی و اجرای طرح‌های توسعه، دانش بومی در زراعت و کنترل آفات، تغذیه و پزشکی، معماری و شهرسازی، و شیوه‌های تصمیم‌گیری تحت عنوان فن آوری مناسب یا پایدار ضروری تشخیص داده است (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸: ۱-۳).

## یافته‌ها و بحث

### مبانی نظری

تعاریف متعددی به وسیله صاحب نظران در مورد دانش بومی ارائه شده که هر کدام از زاویه‌ای بدان نگرسته‌اند و هریک بر ابعاد خاصی از دانش بومی تأکید کرده‌اند. به طور نمونه فرهنگ آکسفورد واژه دانش بومی را "خلق یا تولید شده به صورت طبیعی در یک سرزمین یا منطقه که مربوط و مختص به اهالی آن است" تعریف می‌کند. از نظر "کروما" دانش بومی "دانش محلی است که از تأثیر متقابل بین مردم و محیط‌شان بر می‌خیزد. دانش بومی ویژگی‌های تمام فرهنگ‌هاست و کلیه جارب بشری چون تاریخ، زبان، سیاست، هنر، اقتصاد، اداره امور مدنی و روان‌شناسی را در بر می‌گیرد و نمونه‌های فنی این دانش را در کشاورزی، طب، مدیریت منابع طبیعی، مهندسی و صیادی می‌توان مشاهده کرد.

(UNEP, ۲۰۰۲) هم برای بیان مفهوم دانش بومی، اصطلاح دانش سنتی را به کار برده و آن را چنین تعریف می‌نماید: دانش سنتی، دانش نوآوری‌ها و روش‌های جوامع بومی و محلی سراسر جهان می‌باشد که از راه تجربه در طی قرون متمادی تهیه و تدوین شده و با فرهنگ و محیط محلی سازگار شده است. دانش سنتی به طور شفاهی و گفتاری از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. این دانش شامل داستان‌ها، آوازها، فرهنگ و عقاید عامه مردم، ارزش‌های فرهنگی، اعتقادات، آداب و رسوم، قوانین محلی، زبان و گویش‌های محلی می‌باشد. دانش سنتی - به ویژه در زمینه‌هایی نظیر کشاورزی و پزشکی - عمدتاً از یک ماهیت عملی برخوردار می‌باشد. دانش بومی از حوزه جغرافیایی خاصی سرچشمه گرفته است و به طور طبیعی تولید می‌شود و براساس کارایی و سازگاری با شرایط محیطی به نواحی مجاور و دور دست پخش و منتشر می‌شود، هر چند که معرفت مردم روستایی بعد از تحولات شهرنشینی و رشد فزاینده آن از طریق تریق دانش حوزه جغرافیایی خارج از روستا، تحت تأثیر قرار گرفته و اسباب فزونی و یا نابودی آن را فراهم آورده باشد (ازکیا، ۱۳۷۴).

دانش بومی عبارت است از مجموع تجربه و دانشی که یک جامعه در برخورد با مشکلات آشنا و ناآشنا بدست آورده و آن را اساسی برای تصمیم‌گیری‌های خود قرار داده است. دانش بومی ریشه در تجربه‌های گذشته دارد و تا وقتی که جامعه پا برجاست، به عنوان



پایه فرهنگی و فنی آن به تکامل خود ادامه می دهد. در نتیجه افراد مسن و سالخورده روستا یعنی کشاورزان، دامداران و چوپانان با تجربه و در کل چه مرد و چه زن، تجربه و دانشی از محیط اطراف خود و زندگی در روستا دارند که با از بین رفتن آنها اطلاعات عظیمی از دانش بومی آن محل از دست می رود (تقی زاده و حمیدیان، ۱۳۹۴).  
دانش بومی شامل مجموعه ای از بهترین، سودمندترین و سازگارترین شیوه های بهره برداری و زندگی در محیط خاص خود است که از راه های شفاهی و تجربی از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد (مختار پور و عبدالله پور، ۱۳۸۸).

### پیشینه تحقیق

در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ سازمان ملل طی قطع نامه ی شماره ی ۱۶۴، سال ۱۹۹۳ را به عنوان «سال بین المللی مردم بومی جهان» اعلام کرد. هدف از آن توسعه ی همکاریهای بین المللی به منظور طرح و بررسی مسایل و مشکلات مردمان بومی جهان بوده است، مشکلات مطرح شده شامل، وضعیت نامطلوب حقوق انسانی، توسعه، آموزش، بهداشت و محیط زیست آنان بوده است (D.Kolawopole, 2001:1). پژوهشهای بین المللی در زمینه ی دانش بومی به اوایل قرن بیستم باز می گردد. از پیشگامان تحقیقات علمی دانش بومی می توان پزشکان و گیاه پزشکان مشهوری چون، جی . تی . رنج، وستن . آپرایس، اف . اچ . کینگ، آلبرت هوارد، ویلیام آ. آلبریج را نام برد. آنان باور داشتند که گسترش سریع بیماریهای قلبی و رابرتمک گریسون ریوی و شیوع امراض و آفات گوناگون دامی و کشاورزی در جوامع غربی ناشی از گسترش مواد شیمیایی نوپای آن زمان بوده است، لذا از طریق پژوهشهای تطبیقی به راه و روش تغذیه و زراعت قبایل بومی جهان توجه کردند و نتایج مشاهدات خود را در کتب و مقالات متعدد منتشر نمودند. اما با آغاز جنگ جهانی دوم، تحقیقات این دانشمندان تحت الشعاع مسائل جنگ قرار گرفت و کاهش یافت. در سالهای بعد از جنگ، بازسازی اروپای جنگ زده از طریق اعتبارات «بانک بین الملل بازسازی و توسعه» یا «بانک جهانی»، توسعه صنعتی بیش از پیش به مثابه تنها الگوی رشد تثبیت شد. در طی دهه های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ که اوج اجرای پروژه های عظیم توسعه در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بوده است، کسی را جرأت پیش کشیدن مزایای استفاده از دانش بومی نبوده و آن را به عنوان ((عقب افتاده)) و روشهای سنتی کهنه و بیهوده نادیده می گرفتند. اما به تدریج نشانه های «ناپایداری» در فرآیندهای توسعه صنعتی کم و بیش آشکار گردید و مجدداً توجه دانشمندان را به دانشها و روشهای تولید کشاورزی بومی برانگیخت. برای مثال، انتشار کتاب «بهار خاموش» اثر راشل کارسون (۱۹۶۷) و تأثیرات مخرب کاربرد د. د. ت در کشاورزی شیمیایی، باعث آگاهی عمومی در امریکا گردید و زمینه ی پیدایش کشاورزی ارگانیک را فراهم کرد. چنین تحقیقات و توجه به مسایل پایداری و توسعه ی اقتصادی، منجر به تشکیل ((کمسیون جهانی محیط زیست و توسعه)) سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۴ گردید. این کمسیون در سال ۱۹۸۷، طی نشستی با عنوان ((کمسیون برانتلند)) از سازمان ملل خواست تا از کشورهای مختلف برای ایجاد یک همکاری و تلاش مشترک برای دستیابی به هنجارهای رفتاری و منافع همگانی دعوت به عمل آورد. این نشست، به ((آینده مشترک ما)) معروف شده است و مهمترین هدف گردهمایی، همکاری جهانی، دوجانبه و متقابل بین کشورهای مختلف در زمینه ی مسایل توسعه اقتصادی و محیط زیست بوده است (یانگلدین و ال. آلن وینترز، ۲۵: ۱۳۷۹) با انتشار گزارش این نشست، «توسعه به هر قیمتی» به عنوان ناپایداری مورد اعتراض قرار گرفت و «توسعه پایدار» به عنوان یک راهبرد برای پیشرفت جایگزین گردید. در گزارش مذکور، اصطلاح ((توسعه پایدار)) چنین تعریف شد: «توسعه پایدار توسعه ای است که نیازهای اساسی نسل کنونی را برآورده کند، بدون آنکه توانایی نسلهای آینده را در رسیدن به نیازهایشان به خطر بیندازد» (اعلامیه ی کمسیون توکیو، فوریه ۱۹۸۷). در سالهای اخیر که سازمان ملل تلاشهای زیادی جهت برقراری توسعه پایدار نموده است، آشکار گردیده که دانش و روشهای قبل از صنعتی شدن در کانون «چگونگی دستیابی به پایداری» قرار دارند. مسایلی از قبیل تنوع زیستی، مدیریت آب و زمین و سنتهای همیاری، روشها و دانش مردمان محلی به عنوان مدل های زمان آزموده برای برنامه ریزی، پیشرفت و توسعه در طول زمانها به خدمت گرفته شده است. شناخت و ضرورت دانش بومی به جایی رسیده که بانک جهانی از این تحقیقات حمایت نمود چنانکه در سپتامبر ۱۹۹۳ کنفرانسی را در واشنگتن D.C. برگزار و از تعداد زیادی از رهبران جوامع بومی جهان دعوت به عمل آورد، هدف از برگزاری این کنفرانس این بود که آیا دانش بومی قادر است یک آینده ی پایدار را برای بشر ایجاد نماید؟ از نتایج کنفرانس آشکار گردید که دانش منحصر به دانشهای رسمی و غربی نیست بلکه هزاران علم و فن در فرهنگها و تمدنهای سراسر جهان وجود دارد که در توسعه ی پایدار سهم به سزایی دارند (www.Iranik, 2002:1). در سال ۱۹۹۲ سه مرکز دانشگاهی دانش بومی بین



المللی به نام های ((برنامه ی توسعه و سیستم های دانش قومس)) و ((مرکز پژوهش های بین المللی وشبکه های مشاوره ای )) در هلند و مرکز کشاورزی بومی و توسعه روستایی )) در دانشگاه ایالتی آیوا ، یادداشت تفاهمی را مبنی بر کمک به تاسیس مراکز تحقیقات دانش بومی در سراسر جهان امضا نمودند. از آن تاریخ تاکنون بیش از سی مرکز دانش بومی تأسیس شده است که از فعالترین آنان، «مرکز منابع دانش بومی سریلانکا»، «مرکز دانش بومی نیجریه»، «مرکز پژوهش عالی نظامهای دانش بومی» در هندوستان و «مرکز منابع دانش بومی و توسعه پایدار» در فیلیپین را می توان نام برد . در ایران نیز از دیرباز تحقیقات و پژوهشهای زیادی در زمینه ی دانش بومی و روشهای سنتی و دامداری انجام شده است. محققانی همچون جواد صفی نژاد (۱۳۵۳)، خسرو خسروی (۱۳۵۸)، کاظم ودیعی(۱۳۵۲)، مرتضی فرهادی(۱۳۷۱ و ۱۳۸۰)، مهدی طالب (۱۳۷۱)، مصطفی ازکیا (۱۳۷۴)، و خانم لمتون (۱۳۷۷)، محمدحسین پاپلی یزدی(۱۳۷۸) و دیگران تحقیقات سودمندی در زمینه معرفی سنتها و دانشهای بومی ایران داشته اند اما از یک سو این کمتر به شکل سیستمی و همه جانبه صورت گرفته و از سوی دیگر این گونه تحقیقات نیازمند مراکزی جهت جمع آوری، ضبط، ارزیابی و اشاعه و نشر آنها دارد. از این رو در سال ۱۳۷۸ مرکز «تحقیقات دانش بومی» در روستای خورهه از شهرستان محلات در استان مرکزی با مشارکت معاونت ترویج و نظام بهره برداری وزارت جهاد کشاورزی تأسیس گردید. اخبار و دستاوردهای علمی مربوط به این ایستگاه در قالب «گاهنامه علمی - فرهنگی دانش بومی و توسعه» منتشر می شود. همچنین در سال ۱۳۸۱ به سایت اینترنتی مجهز و به شبکه های دانش بومی سراسر جهان مرتبط گردید(www.iranik.com).

## ویژگی ها و اهمیت های دانش بومی

از ویژگی های دانش بومی می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- مبتنی بر تجربه است؛ دانش بومی حاصل تجربیات انسانهاست که طی قرن های طولانی آموخته اند.
- مبتنی بر آزمایش است؛ دانش بومی طی قرن ها آزمایش شده است و سپس به صورت کاربردی در آمده است.
- منطبق و سازگار با محیط و فرهنگ بومی؛ دانش بومی از درون جامعه محلی تراوش کرده و با توجه به نیازهای محلی شکل گرفته و طی زمان آنچه با محیط بومی سازگاری نداشت، حذف شده است و آنچه برجای مانده است، محیط و فرهنگ حاکم بر آن سازگار است.
- پویا و درحال دگرگونی است؛ همزمان با تغییر فرهنگ بومی، دانش بومی نیز دچار تغییر گشته است، یعنی در هیچ مقطع تاریخی ما دانش بومی ایستا نداشته ایم، بلکه این دانش مدام در حال نو شدن، جرح و تعدیل و افزایش و کاهش بوده است(زارع و یعقوبی، ۱۳۸۱: ۵۲).

### جدول شماره ۱: مقایسه دانش بومی و دانش رسمی

دانش رسمی	دانش بومی
حقیقت تقریبی فرض می شود	حقیقت واقعی فرض می شود
نوشته شده و مکتوب است	شفاهی و بصری است
اثبات گراست	تجربی گراست
مبتنی بر مدل و فرضیه	حسی است
پیش بینی کوتاه مدت	به دست آوردن دانش در درازمدت
آموزش به وسیله آموزش و پرورش رسمی	آموزش از طریق تجربه
طرح ریزی مدلهای تقریبی - خطی از ابتدا	مدل ها مبتنی بر مدل سازی سمبولیک (چرخه ای)

منبع: (Alan,R.Emery and Associates, ۱۹۹۷)



طی دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، دیدگاههای رایج نسبت به دانش بومی این بود که این دانش را به عنوان یک مانع ناکارآمد و عامل اصلی توسعه نیافتگی می پنداشتند. اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد، دانش بومی به طور فزاینده ای به عنوان منبع اساسی و با ارزش جوامع محلی جهت دست یابی به توسعه پایدار به رسمیت شناخته شده است. در واقع کشورها این دانش را راه حلی برای پاسخ به شکست تئوری های بزرگ توسعه (خاصه تئوری نوسازی) می دانند و به راه حل های تکنوکراتیک برای تغییر چشم انداز توسعه از نگاه اکثریت دهقانان و کشاورزان کوچک در جهان چشم دوخته است. در واقع می توان گفت که دانش بومی مصداق بارز جمله مشهور فریتزشوماخر ((کوچک زیباست)) است، چرا که اهمیت جوامع بومی و محلی را به خوبی نشان می دهد (احمدرش، دانش مهر، ۱۳۹۲: ۱۸).

دانش بومی اولین بار به طور رسمی در کنفرانس ریو (اجلاس عالی زمین) در سال ۱۹۹۲، به عنوان عاملی ارزشمند در توسعه پایدار شناخته شد. در کنفرانس ریو، سه کنوانسیون به امضا رسید که هدف از آنها کاهش تغییرات آب و هوا، حفظ تنوع گونه های گیاهی- جانوری و مقابله با بیابان زایی بود. تمامی این سه کنوانسیون مقدماتی بودند که می بایست در آینده گسترش یابند و تقویت شوند. دانش بومی نسبت به دانش فنی دو مزیت دارد:

- بدون هزینه است و به آسانی در دسترس قرار می گیرد.
  - از نظر اجتماعی مقرون به صرفه (مقبولیت و نرخ پذیرش بالا) و به لحاظ اکولوژیکی سازگار با محیط زیست و شامل حداقل خطر به کشاورزان و تولیدکنندگان روستایی است.
- با این تفاسیر توجه به دانش بومی به عنوان دانشی که حاصل تجربیات چندین هزار ساله است و در روند زمان با عمل عجین شده است در توسعه روستایی، امری مهم و عنصری اساسی است. فقدان دانش بومی یا عدم توجه به شیوه های بومی در طراحی و کاربرد بسیاری از تکنولوژی ها، به عدم پذیرش این تکنولوژی ها و نیز شکست طرح های توسعه ای در کشورهای در حال توسعه منجر می شود (احمدرش، دانش مهر ۱۳۹۲: ۱۹-۱۸).

زمینه های کاربرد دانش بومی در امر توسعه را به طور خلاصه می توان به این ترتیب بیان کرد:

- شیوه های بومی برای مدیریت منابع طبیعی، الگوی مناسبی برای مدیریت طبیعی در توسعه پایدار است.
- موفقیت طرح های توسعه پایدار در گرو مشارکت بومیان در کلیه مراحل از جمله طراحی، برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی طرح هاست. ضرورت مشارکت بومیان استفاده از دانش بومی را اجتناب ناپذیر می کند.
- با توجه به وضعیت فعلی جهان، در بسیاری از موارد راه حل را بایستی در آمیزه ای از دانش بومی و رسمی جست، چرا که با توجه به ابعاد نیازهای کنونی، جمعیت دنیا و آسیب پذیری منابع طبیعی باقی مانده، هیچ یک از دو دانش به تنهایی قادر نیست نیازها را برآورده کند.
- برای شناسایی نیازهای توسعه، مسئله یابی باید از دیدگاه بومیان انجام گیرد. شناسایی درست مسائل و ارتباط موثر با بومیان از طریق دانش بومی میسر است.
- در کشورهای صنعتی، روشهای بومی بر اثر تسلط کامل دانش بومی در فرایند تولید کاملاً فراموش شده است. برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار در این کشورها، واردات روشهای بومی مناسب از دیگر کشورها و تلاش برای احیای دانش بومی محلی ضروری است (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸: ۲۰).

### نمونه هایی از دانش بومی در ایران

دانش بومی در ایران بسیار غنی بوده و در ابعاد گوناگون از گذشته های دور استفاده شده است که از جمله این جنبه ها می توان به جنبه های پزشکی، گیاه شناسی، روان شناسی، کشاورزی، باغ داری و... اشاره کرد (ازکیا و یوسفی، ۱۳۸۳: ۱۷).



خاکپور اشاره می کند از آن جا که سطح رطوبت نسبی هوا در اقلیم گیلان، بالا و اختلاف درجه حرارت در شب و روز، کم است، شب های تابستان نیز مانند روزهای آن گرم است. بنابراین، مصالح ساختمانی باید دارای ظرفیت حرارتی اندک باشد تا از انباشت حرارت روزانه خورشید و بازپس دهی آن در شب جلوگیری شود. چوب از جمله مصالح با ظرفیت حرارتی پایین است که به کارگیری آن در قسمت های اصلی ساختمان، نظیر دیوارها و سقف، بسیار سودمند است و موجب گرم تر شدن دمای فضاهای داخلی در شب های تابستان نمی شود (خاکپور، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۲).

اکبر زرگر به جنبه دیگری از دانش بومیان در زمینه معماری آن ها اشاره کرده است. وی می گوید یکی از دلایل استفاده از خشت یا چینه گلی در مناطق کوهستانی یا کوه پایه ها که قطعا مصالحی چون سنگ به وفور در دسترس است، خاصیت ویژه خشت و چینه گلی از نظر رفتار حرارتی است. خشت، عایق مناسبی برای ممانعت از ورود سرما و گرما از بیرون به داخل است و به خوبی عمل می کند و ساکنان خانه را در آسایش نگه می دارد. در حالی که سنگ با سرعت و به مقدار زیاد، حرارت داخل را جذب و با سرمای بیرون مبادله می کند (زرگر، ۱۳۸۶: ۸۲).

سامع درباره معماری صخره ای روستای کندوان بیان می کند که در معماری صخره ای، سنگ طبیعی کالبد اصلی فضاهای مسکونی را تشکیل می دهد و متناسب با نیازهای انسان فضاهای مورد نیاز، حفر و کنده می شود. حفر درون صخره های طبیعی به منظور ایجاد سرپناه و سکونت گاه نیازمند به کارگیری ابزارها و تکنیک های خاصی است که معمولا به صورت استاد شاگردی از نسلی به نسل بعدی منتقل می شود (سامع، ۱۳۸۱: ۱۶۵).

عرض راهروها در تمام بناهای جنوب کشور بیش از دو متر است. در کنار این راهروها (دالان) سکوهایی پهن و عمیقی ساخته شده است که در فصول گرما ساکنان منازل برای استفاده از جریان هوا و خنکی آن استفاده می نموده اند. درب ورودی ساختمان ها نیز مستقیما به داخل راهرو (دالان) باز نمی شود بلکه با استفاده از یک پیچ تند به دالان راه پیدا می کند. این اتفاق به دلیل جلوگیری از نفوذ مستقیم آفتاب به داخل دالان می باشد. اطاق های جانبی دالان ها معمولا با دریچه های مشبکی به راهروها متصل می شده اند و بخشی از هوای خنک دالان در فصول گرما با بازکردن دریچه ها به داخل اطاق های جانبی جریان پیدا می کرده است (رضایی و مولوی، ۱۳۹۴: ۸۵).

آب آشامیدنی جزیره کیش که وجود آن پیوسته یکی از ویژگی های ممتاز این جزیره نسبت به سایر جزایر خلیج فارس به شمار رفته است. در کنار چاههای دستی، عمدتا از آب انبارها / برکه های پراکنده در سطح جزیره تامین می شد. استفاده از برکه ها در جزیره کیش، براساس منابع موجود، حداقل به سده پنج هجری و اوجگیری جزیره به عنوان پایگاه مهم مبادلات کالاهای تجاری در منطقه باز می گردد. قزوینی و یاقوت حموی از جمله کسانی هستند که از گردآوری آب باران در آب انبارهای متعدد جزیره خبر می دهند. ابن مجاور در حدود ۶۲۶ هجری قمری گزارش می کند که «امیران کیش در گذشته دور آب انبارهایی در این جزیره بنا کرده اند» که در زمان بازدید او هنوز برجای بودند و آب سیلاب ها و چشمه سارها در آنها گردآوری می شد (سعیدی، ۱۳۸۹: ۲۹).

## علوم غربی و دانش بومی

پژوهش های بین المللی در زمینه ی دانش بومی به اوایل قرن بیستم باز می گردد. از پیشگامان تحقیقات علمی دانش بومی می توان پزشکان و گیاه پزشکان مشهوری چون، جی . تی . رنج ، وستن .آ. پرایس، اف . اچ . کینگ، آلبرت هوارد، ویلیام آ. آلبریچ و رابرت مک گریسون را نام برد. آنان باور داشتند که گسترش سریع بیماریهای قلبی و ریوی و شیوع امراض و آفات گوناگون دامی و کشاورزی در جوامع غربی ناشی از گسترش مواد شیمیایی نوپای آن زمان بوده است لذا از طریق پژوهشهای تطبیقی به راه و روش تغذیه و زراعت قبایل بومی جهان توجه کردند و نتایج مشاهدات خود را در کتب و مقالات متعدد منتشر نمودند. اما با آغاز جنگ جهانی دوم، تحقیقات این دانشمندان تحت الشعاع مسائل جنگ قرار گرفت و کاهش یافت.

بسیاری از چالشهای تحقیق دانش غربی، به شیوه ای مستقیم یا غیرمستقیم با مشکلات مطالعه نظام دانش سنتی ارتباط دارد. نظام دانش غربی از نظام دانش بومی به عنوان یک ابزار استفاده می کند. در حقیقت دو نظام دانش بومی و دانش غربی ممکن است به همدیگر نزدیک باشند، یا یکی شاخه دیگری باشد. از یک طرف بین آنها شباهتهای آشکاری وجود دارد و از طرفی دیگر بین آنها تفاوت هایی نیز وجود دارد.



اگر اول (۱۹۹۶) معتقد است تمایز اساسی میان دانش بومی و دانش غربی، در طرز قرار گرفتن ارتباطشان با قدرت نهفته است و این مسئله را در بر نمی گیرد که چه کسی آن را انجام می دهد. به زعم وی، دانش بومی در نهایت به قدرت منجر می شود.

جدول شماره ۲: تمایزات آشکار میان دانش بین المللی و دانش بومی

دانش بین المللی	دانش بومی	موارد مورد مقایسه
تقلیل گرایي تحليلي (تقلیل ذهن و توجه بیشتر به عین)	کلی نگر ( عین و ذهن را با هم در نظر می گیرد.)	شیوه تفکر غالب
نوشتاری و ادبی ( عینیت)	شفاهی، داستان سرایی و آواز خواندن	نوع ارتباطات
سریع	تدریجی و آرام	اثر بخشی
کمی	کیفی	نوع داده
(آماری، سری زمانی در یک منطقه وسیع)	تاریخی(سری زمانی در یک منطقه ی بومی )	
عمومی و سلسله مراتب	بوم شناختی	طبقه بندی

منبع: (wolfe ct. ۱۹۹۲ & Berkes)

### نتیجه گیری و پیشنهادها

مشارکت فعال افراد روستایی در توسعه روستا به شکل پایدار آن، جز باور کردن نقش دانش، بینش و مهارتهای افراد روستایی امکان پذیر نخواهد بود. از طرف دیگر، برای باورداشتن دانش بومی الزام است تا درباره بومیان و دانش آنها شناخت کامل بدست آوریم (زمانیپور و همکاران ۱۳۹۰: ۳). اگر بومی سازی را انطباق الگوها و روشهای بیرونی توسعه با شرایط درونی جامعه محلی و تقویت الگوها و روشهای بومی متناسب با جریان توسعه بدانیم، می تواند به توانمند سازی جامعه ی محلی کمک نماید. بومی سازی پیوندی نهادینه بین دانش رسمی و دانش بومی در عرصه عمل و نهادینه کردن آن در جریان توسعه خواهد بود (جمعه پور، ۱۳۹۱: ۶).

دانش بومی هر قوم بخشی از سرمایه ملی است که باورها، ارزش ها، دانسته ها و ابزار زندگی آنها را در بر می گیرد. این دانش گنجینه ای ارزشمند از تجربیاتی است که طی آزمون و خطای چندین هزار ساله جامعه در ارتباط با اثر متعادل انسان، محیط، گیاهان و جانوران منطقه به دست آمده است. دانش بومی از نیازهای حقیقی و امکانات و محدودیت های محیطی سرچشمه می گیرد، پس دارای مناسب ترین سازگاری با اوضاع هر منطقه است. اهمیت گردآوری دانش بومی و ارزش کاربردی آن به حدی است که اکنون متجاوز از سی مرکز گردآوری دانش بومی در سراسر جهان به مطالعه روش های تولیدی و آداب و رسوم اقوام بومی مشغول اند. این مراکز در صدد گسترش زمینه های کاربردی دانش بومی در کشاورزی، طب، تغذیه و ... با اسامی جدید کشاورزی ارگانیک، تغذیه سلامت زا و طب سنتی هستند. استفاده از این گنجینه گرانبها مستلزم آشنایی و تداوم در آموزش این دانسته ها و تجربیات از افراد بزرگسال به نسل های جوان است.

به دلیل اهمیت دانش بومی بایستی کوششهایی در زمینه ی تلفیق نظام مند بین دو دانش انجام گیرد و موانع ارتباط دو سویه بین آنها کاهش یابد برای کاهش موانع موارد ذیل بایستی مورد توجه قرار گیرد (عمادی، ۲۰: ۱۳۸۱).

- اصلاح تفکر حاکم: امروزه دانش رسمی از حمایتهای نهادهای و مؤسسات علمی و پژوهشی و دستگاههای دولتی برخوردار است اما مهارت ها و دانش بومی علیرغم سازگاری با شرایط اقلیمی و فرهنگی جامعه روستایی از سوی دست اندرکاران توسعه روستایی معتبر شناخته نمی شود، لذا از وظایف مهمی که پیش روی مجامع علمی نظیر دانشگاهها قرار دارد، توصیه ی اکید به تحصیلکردگان در مورد پرهیز از سرزنش بومیان و یا انکار دانش آنهاست.

- اصلاح نظامهای آموزش با تأکید بر فرآیند یادگیری: اغلب کارشناسان و مروجان کشاورزی معتقدند که فقط دانش و اطلاعاتی معتبر است که از دانش رسمی، جدید و پیشرفته سرچشمه گرفته باشد و آنچه که روستاییان می دانند، نامنظم و سطحی است. با این نگرش، آنها توسعه و ترویج را صرفا انتقال یکسویه فنون و نشر دانش نوین می دانند که برای ارتقای آگاهیهای روستاییان



انجام می شود. متخصصان و مروجان باید بپذیرند که از مردم محلی هم میتوان موارد با ارزشی آموخت. در کنار یادگیری مستقیم از روستاییان، باید روش و محتوای کتابهای مدارس و دانشگاهی تغییر کند و مفاهیم و مبانی انواع مطالعات دانش بومی در کتب درسی رشته های جغرافیای روستایی و کشاورزی گنجانده شود.

• گسترش شبکه های دانش بومی: یکی از دلایل عدم بهره گیری دانشگاهیان از نظام دانش بومی، مشکل دسترسی به آن است زیرا به علت مکتوب نبودن، بخش عمدهای از آن، معمولاً از طریق ارتباط مستقیم و مؤثر با روستاییان و با صرف هزینه و سفر امکانپذیر است. یک روش به منظور کاهش موانع پیش گفته، توسعه و تعمیق ارتباط میان صاحبان علوم رسمی و بومیان از طریق تأسیس مراکز پژوهشی و اطلاع رسانی در زمینه ی دانش بومی است. زیرا اطلاعات در استراتژیهای شبکه های دانش بومی سهمی بسیار اساسی دارد، و با تجمع و تنوع دانش، راهبردهای توسعه جوامع مناسبتر و مؤثرتر خواهد بود. شبکه ی دانش بومی ابتکارات و فعالیتهایی را که باعث وحدت و یکپارچگی این دانش در توسعه گردیده، مورد استفاده قرار می دهد (بوذرجمهری، ۱۳۸۲).

## منابع

- احمدرش، ر.، و دانش مهر، ج. (۱۳۹۲)، دانش بومی و توسعه، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- ازکیا، م.، و یوسفی، ج. (۱۳۸۳)، دانش بومی استفاده از بلوط در شهرستان ممسنی، نامه انسان شناسی، انجمن انسان شناسی ایران، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
- امیری اردکانی، م.، و شاه ولی، م. (۱۳۷۸)، مبانی، مفاهیم و مطالعات دانش بومی کشاورزی، تهران: سلسله انتشارات روستا و توسعه.
- مختارپور، ر.، و عبدالله پور، ج. (۱۳۸۸)، دانش بومی در معماری سنتی کیش، کیش: سازمان منطقه آزاد کیش.
- بوذرجمهری، خ. (۱۳۸۲)، جایگاه دانش بومی در توسعه ی روستایی پایدار، مجله جغرافیا و توسعه، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- تقی زاده، س.، و حمیدیان، ع. (۱۳۹۴)، دانش بومی روستایی در روستای موچنان با تأکید بر کشاورزی، چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی، ایرانی پیشرفت، اردیبهشت ۱۳۹۴.
- جمعه پور، م. (۱۳۹۱)، نقش دانش بومی و کارکرد نظام سنتی مدیریت مشارکتی منابع آب در معیشت پایدار روستایی، مورد مطالعه: گروه های بزرگ کاری لایروبی کانال های آبیاری (حشر) در سیستان. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۶، بهار ۱۳۹۱.
- خاکپور، م. (۱۳۸۶)، معماری خانه های گیلان، رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- رضایی، م.، و مولوی، م. (۱۳۹۴)، توسعه پایدار و معماری بومی در ایران، تهران: انتشارات سیمای دانش.
- رکن الدین افتخاری، ع.، و بوذرجمهری، خ. (۱۳۸۴)، تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی، فصلنامه مدرس، دانشگاه تربیت مدرس، بهار ۱۳۸۴.
- زارع، ح.، و یعقوبی، ج. (۱۳۸۱)، نگرش به دانش بومی، مجله جهاد، سال نوزدهم شماره ۲۳۰-۲۳۱.
- زرگرو، ا. (۱۳۸۶)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- سامع، م. (۱۳۸۱)، بررسی مردم شناختی دانش سنتی حفر صخره های مسکونی در روستای صخره ای کندوان آذربایجان، سمینار دانش سنتی و تنوع زیستی، کرمان، ۱۴ اسفند ۱۳۸۱.
- سعیدی، ع. (۱۳۸۹)، ده مقاله در شناخت سکونتگاههای روستایی، تهران: انتشارات مهرمینو.
- عمادی، م.، اردکانی، م. (۱۳۸۱)، تلفیق دانش بومی و دانش رسمی، ضرورتی در دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۷.
- عمادی، م.، و عباسی، ا. (۱۳۷۸)، حکمت دیرین در عصر نوین: کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار، تهران: سلسله انتشارات روستا و توسعه.

Kolawopole, D (۲۰۰۱), Local Knowledge Utilization and Sustainable rural development in the ۲۱ St. Century, IK Monitor Article (۱-۹).

Li. Shenxue, Easterby-Smith, Mark, Lyles., Marjorie A. Clark. Timothy, (۲۰۱۶), tapping the power of local knowledge: A local-global interactive perspective, Journal of World Business, WORBUS ۸۰۰ No. of Pages ۱۳

www.nufic, n\ik- pages/ik- network. ntm\.

www. Iranik. Com